



دوماهنامه علمی- پژوهشی

د ۱۱، ش ۱ (پیاپی ۵۵)، فروردین و اردیبهشت ۱۳۹۹، صص ۱۳۷-۱۶۱

آموزش مترجمی فرانسه در دانشگاه‌های ایران:

بررسی مشکلات ترجمه واژگان چندمعنا

مرجان فرجاه^{۱*}، مینا مظهری^۲

۱. استادیار دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده ادبیات فارسی و زبان‌های خارجی، تهران، ایران.

۲. استادیار دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده ادبیات فارسی و زبان‌های خارجی، تهران، ایران.

پذیرش: ۹۸/۰۶/۰۶

دریافت: ۹۸/۰۱/۱۷

چکیده

آموزش مترجمی در ایران، تاکنون از دیدگاه‌های مختلف بررسی شده است و کاستی‌های این آموزش و مشکلاتی که دانشجویان این رشته با آن روبه‌رو هستند، از ابعاد متفاوت ارزیابی شده است. با وجود این، به‌نظر می‌رسد پژوهشگران حوزه مطالعات و آموزش ترجمه زبان فرانسه در ایران، واژگان چندمعنا و چگونگی ترجمه این پدیده ابهام‌زا را نادیده گرفته‌اند. در همین مورد، با درنظر گرفتن ویژگی‌های واژگان چندمعنا و توانش دانشجویان این رشته، با نگاهی به نقشه هولمز/ توری از مطالعات ترجمه و شاخه کاربردی آن که شامل تربیت مترجم و فرهنگ لغات به‌منزله ابزار ترجمه است، نظریه کاترینا رایس از انواع متن و کاربرد آن‌ها و نظریه گروه PACTE از توانش ترجمه در محیط‌های آموزشی، از طریق دو سنجش میان ۳۲ دانشجوی مقطع کارشناسی رشته مترجمی فرانسه در دو گروه و همچنین، بررسی پیکره ترجمه کتاب *Le choix de lettres de Jean-Jacques Rousseau: Traduction et texte original* که از سوی هشت تن از دانشجویان مقطع کارشناسی ارشد رشته مترجمی و ادبیات فرانسه انجام گرفته است، این مشکل بررسی شد. در مورد اول، بیشتر از دوسوم دانشجویان گروه اول که تنها از فرهنگ دوزبانه فرانسه - فارسی استفاده کرده بودند، نتوانستند به‌درستی جملات حاوی این نوع واژگان را ترجمه کنند، در حالی که این میزان در گروه دوم برعکس است. در میان دانشجویان مقطع کارشناسی ارشد نیز این مشکل همچنان وجود دارد. با توجه به نتایج به‌دست آمده، برای رفع این مشکل باید از فرهنگ‌های تک‌زبانه فرانسه - فرانسه استفاده شود.

واژه‌های کلیدی: آموزش ترجمه، زبان فرانسه، چندمعنایی، توانش ترجمه، فرهنگ لغات.

۱. مقدمه

در حوزه ترجمه، یکی از بخش‌هایی که مستلزم دقت و تأمل بیشتری است، مقوله چندمعنایی واژگانی است؛ زیرا انتخاب معنای صحیح یک واژه از میان چند معادل در درک و برگردان صحیح آن واژه، نقش بسزایی دارد. لذا، در آموزش ترجمه، این پدیده رایج در زبان‌ها مطالعات بسیاری را به خود اختصاص داده است.

به گفته کورش صفوی (۱۳۹۲: ۴۷)، «واحد‌های زبان به هنگام کاربرد، می‌توانند بیش از یک تعبیر داشته باشند. وقتی یک صورت زبانی دارای دو یا چند تعبیر شد، موضوع دلالت چند-گانه مطرح خواهد شد».

در ترجمه از یک زبان به زبان دیگر یا به تعبیر یاکبسون^۱ «ترجمه بینا‌زبانی»^۲ تشخیص و فهم واژه چندمعنا از یک‌سو در زبان مبدأ و یافتن معادل دقیق این واژه در زبان مقصد دارای اهمیت زیادی است. از این رو، مشکلات مربوط به معنا به‌ویژه مقوله‌های چندمعنایی در کلاس-های آموزش ترجمه، دارای جایگاه مهمی هستند. با بررسی پژوهش‌های انجام‌شده در این حوزه، به نظر می‌رسد مشکلات و کاستی‌های آموزش ترجمه به‌طور کل مطالعه شده است؛ ولی مسئله چندمعنایی در ترجمه، در زبان فرانسه در محیط‌های آموزشی در ایران تا به حال نادیده گرفته شده است.

هدف نویسندگان مقاله حاضر، بررسی مشکلات ترجمه چندمعنایی واژگانی در کلاس‌های دانشگاهی آموزش ترجمه از فرانسه به فارسی در کشور است. بدین منظور، با استفاده از نقشه هولمز/ توری از مطالعات ترجمه، دسته‌بندی کاترینا رایس از انواع متن و پژوهش‌های گروه PACTE از سنجش ترجمه، ابتدا به تعریف مفهوم چندمعنایی واژگانی خواهیم پرداخت و سپس مورد ابهامات معنایی ناشی از این پدیده را بررسی خواهیم کرد. همچنین، کارایی فرهنگ-های دوزبانه (فرانسه - فارسی) را به‌منزله ابزار مورد استفاده دانشجویان رشته مترجمی فرانسه برای ترجمه واژگان چندمعنا مطالعه خواهیم کرد. با این فرضیه که این فرهنگ‌ها به تنهایی کمکی به یافتن معادل صحیح واژگان چندمعنا در ترجمه نمی‌کنند. در همین راستا، از سوئی، سنجشی متشکل از تک‌جمله‌های حاوی واژگان چندمعنا برای دانشجویان مقطع کارشناسی ارائه شد و از سوی دیگر، ترجمه‌های دانشجویان مقطع کارشناسی ارشد از کتاب *Choix de lettres de Jean-Jacques Rousseau : Traduction et texte original*

برای بررسی این فرضیه مطالعه شد.

۲. پیشینه تحقیق

در مورد پیشینه تحقیق، در زمینه آموزش ترجمه در ایران مقالاتی چند منتشر شده‌اند که در آن به «کاستی‌های آموزش ترجمه در دانشگاه‌های ایران» (میرزا ابراهیم تهرانی، ۱۳۸۲: ۸۹ - ۹۴) و «مشکلات دانشجویان رشته مترجمی زبان فرانسه در دانشگاه‌های ایران» (نسیم تاج‌بخش و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۷۱ - ۱۹۵) به صورت کلی اشاره شده است.

در دیگر کشورها مقالات و پژوهش‌هایی به موضوع چندمعنایی و مشکلات ترجمه آن به زبان‌های دیگر اختصاص داده شده است که از میان آن‌ها می‌توان به مقاله «Contexte, Compréhension, Traduction» در مجله به‌نام *Méta* (Chen Wei, 1999: 144 -) و «Sur l'histoire du terme polysémie» (153) در مجله *Langue et linguistique* (Bruno Coubon, 2016: 1 - 23) و «Polysemy as a lexical problem in translation» (Essam T. Mohammed, 2009) اشاره کرد. در سال ۲۰۰۹ نیز کتابی با عنوان *La traduction dans les dictionnaires bilingues* نوشته لین فرانجیه^۲ به چاپ رسید که در آن بخشی به ترجمه واژگان چندمعنا اختصاص یافته است.

در قالب پژوهش‌های دانشگاهی، پایان‌نامه‌هایی نیز در زمینه چندمعنایی در ترجمه ارائه شده‌اند که از آن جمله می‌توان به *بررسی خطاهای واژگانی فراگیرندگان انگلیسی ایرانی در زمینه‌های شمول معنایی، چندمعنایی و هم‌معنایی* (مهری غلامی اشکیکی، دانشگاه شیراز، ۱۳۸۰)، *ارائه الگویی برای ترجمه انگلیسی به فارسی واژگان چندمعنایی بر اساس روش بافت محور از طریق روش معنایی توزیعی* (سمانه ستوده چافی، دانشگاه بیرجند، ۱۳۹۲)، *بررسی چندمعنایی در ترجمه‌های شعر سرزمین هرز از دو دیدگاه ساختار شکنی و نظریه نظام‌ها* (زهره رحیمی، دانشگاه شیخ بهایی، ۱۳۹۷)، *بررسی چندمعنایی در ترجمه چند غزل از حافظ از سوی شارل - هانری دوفوشکور* (منصوره حقیقی، دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۸۹)، *بررسی تحلیلی مشکلات ترجمه افعال چندمعنایی از زبان فرانسه به فارسی* (پگاه زره‌پوش، دانشگاه الزهراء، ۱۳۹۴) و *بررسی چندمعنایی فعل «شدن» فارسی و ارزش‌های نمودی آن در*

تقابل با معادل‌های این فعل در زبان فرانسه (مریم فلاحی، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۸۹) نام برد که به‌طور مشخص به موضوع چندمعنایی و ترجمه آن در متون مختلف می‌پردازند. در بررسی کلی، هیچ یک از پژوهش‌های انجام‌شده در ایران نگاهی خاص به دریافت دانشجویان رشته مترجمی فرانسه در کشور به مسئله چندمعنایی و ترجمه آن و همچنین، چگونگی رفع این مشکل - که موضوع اصلی مقاله حاضر است - نداشته‌اند.

۳. چارچوب نظری تحقیق، رویکرد و روش

۳-۱. نقشه هولمز - توری از مطالعات ترجمه

جیمز اس هولمز، پژوهشگر هلندی - امریکایی و بنیان‌گذار رشته مطالعات ترجمه، در مقاله خود با عنوان «نام و ماهیت مطالعات ترجمه»^۶ که در سال ۱۹۷۲ در سومین کنفرانس بین‌المللی زبان‌شناسی کاربردی در کپنهاگ دانمارک ارائه کرد، چارچوب و طبقه‌بندی را در این رشته مطرح کرد و به توصیف مواردی پرداخت که این حوزه را دربر می‌گیرد. در سال ۲۰۰۱، ادوین گنتزلر^۷ در کتاب *نظریه‌های ترجمه در عصر حاضر*، مقاله هولمز را به‌عنوان «متن بنیادین مقبول این رشته» معرفی کرد (جرمی ماندی، ۱۳۹۱: ۱۳). چندین سال بعد، گیدئون توری^۸، پژوهشگر این حوزه، این طبقه‌بندی را در قالب نقشه‌ای ارائه کرد که به نام «نقشه هولمز/توری» معروف است و طبق آن مطالعات ترجمه به دو شاخه اصلی محض و کاربردی تقسیم می‌شود.

با وجود اینکه هولمز دو سوم توجه خود را به شاخه محض اختصاص داد که خود شامل دو زیر شاخه توصیفی و نظری است، نمی‌توان اهمیت شاخه کاربردی را نادیده گرفت (همان: ۱۹). این شاخه به‌ویژه در محیط‌های آموزشی مترجمی مانند دانشگاه‌ها با هدف پژوهش در امر ترجمه و تربیت مترجم ماهیت واقعی خود را می‌یابد. در واقع، شاخه کاربردی نظریه هولمز مواردی که آورده‌ایم را در بر می‌گیرد:

۱. تربیت مترجم که خود شامل سه بخش «طرح برنامه درسی»، «تکنیک‌های آزمون‌گیری» و «روش‌های تدریس» است؛

۲. وسایل کمک آموزشی ترجمه از قبیل فرهنگ لغات و دستوره‌های زبان، کاربردهای فناوری اطلاعات و گویشوران خبره؛

۳. نقد ترجمه که شامل ارزیابی ترجمه دانشجویان و نقد و بررسی آثار ترجمه و منتشر شده است.

در حیطه آموزش ترجمه در محیط دانشگاهی در ایران، نویسندگان این مقاله با توجه به موضوع پژوهش، تنها اهمیت تربیت مترجم در چارچوب رشته مترجمی فرانسه و بحث در مورد استفاده از فرهنگ‌های تک‌زبانه یا دوزبانه به‌منزله ابزار کمک آموزشی با توجه به نظریه هولمز/ توری را مد نظر قرار خواهند داد.

۳-۲. نظریه کاترینا رایس^۱ از انواع متن در ترجمه و کاربرد آن در پیکره پژوهش

از سوی دیگر، کاترینا رایس، زبان‌شناس و نظریه‌پرداز آلمانی حوزه مطالعات ترجمه نقش‌گرا، در نظریه خود از انواع متن از منظر ترجمه سه نوع متن ارائه می‌دهد که بر حسب نقش اصلی خودشان طبقه‌بندی می‌شوند (همان: ۱۴۱):

۱. متن اطلاعاتی: هدف اصلی این نوع متن ایجاد ارتباط از طریق انتقال اطلاعات و نظرات و غیره است. متون علمی و کتب درسی از این نوع متن است.

۲. متن بیانی: پدیدآورنده این نوع از متن با بهره‌گیری از نگارش خلاق و تکیه بر بُعد زیبایی‌شناختی زبان، متنی پدید می‌آورد که در آن قالب و فرم متن دارای اهمیت زیادی است. مثال بارز این نوع متن، متون ادبی است.

۳. متن ترغیبی: متون تبلیغاتی از این نوع متون است.

در محیط‌های آموزش ترجمه در دانشگاه‌های ایران، بیشتر از متون نوع اول و دوم استفاده می‌شود. از همین رو، در پیکره مورد بررسی در این مقاله، نگارندگان از دو نوع اول متن استفاده کرده‌اند.

در همین راستا، برای بررسی مشکلات چندمعنا از دو پیکره متفاوت استفاده شد. در مورد اول، تعدادی عبارت تک‌جمله‌ای حاوی واژه‌های چندمعنا به‌عنوان متن اطلاعاتی بر تکیه بر نظریه کاترینا رایس تهیه شد و در مورد دوم کتاب *Choix de lettres de Jean-Jacques Rousseau : Traduction et texte original*، به‌عنوان متن بیانی در پیکره پژوهشی این مقاله استفاده شده است که از سوی چند نفر از دانشجویان کارشناسی ارشد و دکتری مترجمی یا ادبیات فرانسه در ایران در قالب یک پروژه ترجمه دانشگاهی به فارسی برگردانده

شد. در پیکره دوم، واژگان چندمعنا که از سوی دانشجویان به درستی ترجمه نشده، گردآوری و بررسی شده‌اند.

مورد اول پیکره از نوع آزمون نکته‌محور است که «در آن پرسش‌ها به صورت جملاتی مجزا به آزمودنی ارائه می‌شوند و هدف آن سنجش یک واژه یا یک نکته ریزدستوری است» (قنسولی، ۱۳۹۵: ۷۰).

مورد دوم پیکره شبیه به آزمون‌های جامع است که در آن به صورت کلی مسئله مورد بحث خلاف آزمون‌های نکته‌محور به سرعت قابل تشخیص نیستن (همان: ۷۱).

۳-۳ سنجش توانش ترجمه در جامعه هدف

به گفته بهزاد قنسولی (همان: ۷)، ترجمه فعالیتی چندوجهی است و طی فرایند ترجمه از دانش و مهارت‌های متنوعی استفاده می‌شود که این عمل را «توانش» ترجمه می‌نامند. در «توانش ارتباطی» برگرفته شده از حیطة زبان‌شناسی کاربردی، سه مهارت یا توانش در امر ترجمه مطرح می‌شود:

۱. توانش دستوری شامل دانش مورفولوژیک، واژگان، دستور زبان، نحو، معناشناسی و واج‌شناسی.

۲. دانش زبان‌شناسی اجتماعی شامل قوانین استفاده از زبان و قواعد گفتمان.

۳. توانش راهبردی شامل دانش نحوه غلبه بر موانع ارتباطی زبان.

همچنین، گروه تحقیقاتی PACTE تعریفی جامع و مهم از توانش ترجمه ارائه داده‌اند که در آن توانش ترجمه را، با استفاده از تعریف توانش ارتباطی بکمن^۱ «نظام دانش و مهارت‌های بنیادین مورد نیاز برای انجام ترجمه» تعریف می‌کنند (اوروزوکو، ۲۰۰۰؛ PACTE, 2005).

در این تعریف، قنسولی به نقل از PACTE (2005)، توانش ترجمه را متشکل از پنج خردتوانش می‌داند: دوزبانگی، فرازبانگی، دانش ترجمه، ابزاری و راهبردی. در راستای این پژوهش خردتوانش دوزبانگی که خود شامل «دانش اجتماعی و زبانی، کاربردشناختی، متنی، دستوری و واژگانی است» و خردتوانش ابزاری که شامل «دانش عملی مربوط به استفاده از منابع و فن‌آوری‌های ارتباطی در ترجمه، [...] مانند دانش‌نامه‌ها، فرهنگ‌ها، منابع الکترونیکی و پیکره‌ها [است]» در سنجش آزمون متونی که به دانشجویان ارائه شده، مدنظر نویسندگان این

مقاله بوده است.

در موضوع این پژوهش، دانشجویان مورد مطالعه دارای دانش زبانی متوسطی و قادر به تجزیه و تحلیل ساختار جملات ساده برای ترجمه آنها هستند. ۳۲ دانشجو از نیمسال ششم مقطع کارشناسی رشته مترجمی فرانسه از دانشگاه علامه طباطبائی برای این سنجش انتخاب شدند تا توانش دستوری آنها در زمینه واژگان و معناشناسی و در حیطه تشخیص و ترجمه واژگان چندمعنا با استفاده از فرهنگ‌های دوزبانه فرانسه - فارسی و تک‌زبانه فرانسه - فرانسه موجود در بازار محک زده شود.

۴. تعریف چندمعنایی و مسئله ابهام معنایی

مفهوم چندمعنایی برای اولین بار از سوی میشل برآل^۱ - بنیان‌گذار علم معناشناسی در اواخر قرن نوزده میلادی - برای تعریف قابلیت بیان معنای جدید به وسیله کلمات موجود در یک زبان به کار گرفته شد:

هر معنای جدیدی نشانگر نفي معنای قدیمی‌تر یک کلمه نیست. هر دو معنا در کنار یکدیگر به کار می‌روند. یک واژه واحد می‌تواند در معنای اصلی یا در معنای استعاری، در معنای خاص یا در معنای عام، در معنای ضمنی یا در معنای عینی به کار گرفته شود... اختصاص یک مفهوم جدید به یک کلمه به معنی تکثیر و تولید نسخه‌های جدید از آن کلمه است که در صورت مشابه‌اند؛ اما بار معنایی مختلفی دارند. این پدیده را چندمعنایی می‌نامیم (155 - 154 : 1897).

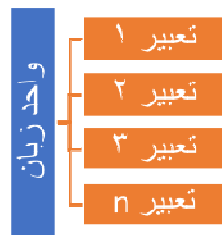
از منظری دیگر، به‌گمان آلین لمان و فرانسواز مارتن برتت^{۱۱} (2000: 65)، زمانی یک نشانه چندمعنا تلقی می‌شود که به سبب تراز زبانی کاربرد معنایی چندگانه داشته باشد همراه با تحول زبان‌های طبیعی، این پدیده جوابگوی نیازهای زبانی در برابر مفاهیم جدید و یا مصداق‌های برون‌زبانی است که یک دال می‌تواند نمایندگی کند.

بدین ترتیب، تعداد محدودی از دال‌ها در یک زبان می‌توانند بیانگر مدلول‌های نامحدودی باشند که حتی به تازگی، به‌ویژه در حوزه تکنولوژی‌های نوین، خلق شده‌اند.

چندمعنایی در زبان روزمره به دلیل تأثیر متقابل کلمات بر یکدیگر در بافت متن امری متعارف است: «می‌توان با قاطعیت مدعی شد که در زبان خودکار (متداول، روزمره)، کمتر واژه‌ای را می‌توان یافت که در هم‌نشینی با واژه‌های دیگر تغییری در معنی‌اش رخ ننماید» (صفوی، ۱۳۸۰: ۵۸).

مثال‌هایی که از فعل دویدن در زبان فارسی آورده می‌شود، بیانگر این مسئله است:
 تمام راه را تا خانه دوید [...].
 چشمش دنبال شیرینی می‌دوید.
 توی حرفم ندو [...] (همان: ۵۸).

در همین رابطه، در زبان فرانسه، ابهام در حوزه زبان‌شناسی، به حالتی گفته می‌شود که یک یا گروهی از کلمات دارای چند معنا باشند یا به چند گروه دستوری تعلق داشته باشند. به گفته کورش صفوی (۱۳۹۲: ۲۰۹)، این پدیده را «می‌توان شرایط یا حالتی دانست که یک واحد زبان در بافت کاربردی‌اش بیش از یک تعبیر داشته باشد. به این ترتیب، ابهام زمانی مطرح است که نتوان یک حکم قطعی برای یک تعبیر مشخص صادر کرد». به بیانی دیگر، چندمعنایی بیانگر یک واحد زبانی مشخص با چند تعبیر معنایی است:



شکل ۱: نمودار ابهام معنایی

Figure 1: Semantic Ambiguity Graph

این مسئله که به آن ابهام معنایی گفته می‌شود، مترجم را وادار می‌کند تا به رفع این ابهام دست بزند. این بدین معناست که مترجم باید معانی غیرمرتبط کلمات را کنار بگذارد و تنها یکی از آن‌ها را که مناسب بافتی است که کلمه در آن قرار گرفته است، در نظر بگیرد. این کار بسته به مهارت و دانش مترجم می‌تواند آسان یا سخت باشد (Rydning, 1998 : 11 - 40).

موضوع اصلی، چگونگی رفع ابهام برای رسیدن به معادل مناسب در ترجمه است. رفع ابهام معنایی زمانی رخ می‌دهد که یک کلمه در یک بافت تنها به یک معنا مرتبط باشد. به گفته کورش صفوی (۱۳۹۴: ۱۹)، بافت فضایی است که جمله‌های زبان در آن تولید می‌شوند. از

سوی دیگر، این مفهوم در فرهنگ لاروس به مجموع شرایط طبیعی، اجتماعی و فرهنگی گفته می‌شود که در آن یک عبارت یا یک سخنی قرار می‌گیرد. در نظر نگرفتن بافت متن می‌تواند در کار ترجمه اختلال ایجاد کند و حتی به اشتباه در ترجمه منجر شود؛ زیرا همان‌گونه که در موارد بالا گفتیم، تنها معیاری که کمک می‌کند تا معنای مرتبط را در صورت چندمعنا بودن کلمه پیدا کنیم، توجه به بافت است.

با مثالی از این نوع ابهام در زبان فرانسه زمانی که کلمه خارج از بافت متن قرار می‌گیرد این مشکل را بیشتر بررسی می‌کنیم. فعل *entendre* در زبان فرانسه چندمعناست و در سایت *synonymes.fr* دارای ۵۶ هم معناست که از آن جمله می‌توان از فعل‌های *écouter, comprendre, connaître, enregistrer, insinuer sentir* نام برد.

گویشور مسلط بر آن زبان به‌خوبی قادر به تشخیص بارهای معنایی این کلمه در بافت‌های مختلف خواهد شد. در فرهنگ‌های دو زبانه‌ای که برای معناهای مختلف هر مدخل یک یا چند مثال از آن زبان آمده است، کمک بزرگی به پیدا کردن معادل درست و دقیق در زبان مقصد می‌کند و در واقع، موضوع در نظر گرفتن آن کلمه را در یک بافت مطرح می‌سازد. به همین ترتیب، برای فردی که به زبان مورد نظر تسلط کافی ندارد، یافتن معانی مختلف یک واژه چند-معنا با استفاده از فرهنگ‌های چندزبانه که هیچ مثالی از آن واژه در بافت‌های مختلف نمی‌دهد، مشکل خواهد بود و ممکن است سبب سردرگمی وی شود.

۵. استفاده از فرهنگ‌های تک‌زبانه یا دوزبانه در کلاس‌های مترجمی فرانسه

فرهنگ‌های زبان یکی از ابتدایی‌ترین ابزار برای ترجمه یک متن هستند. همان‌گونه که در موارد بالا گفته شد، بر حسب نقش هولمز/ توری از مطالعات ترجمه، وسایل کمک‌آموزشی به‌طور عام و فرهنگ لغات به‌طور خاص یکی از موارد طبقه‌بندی این پژوهشگران از این حوزه است. همچنین، طبق تعریف PACTE از توانش ترجمه (2005)، خردتوانش ابزاری توانایی استفاده از فرهنگ‌ها، منابع الکترونیکی و پیکره‌هاست که معمولاً مترجمان یا دانشجویان رشته مترجمی از آن‌ها استفاده می‌کنند. برای دانشجویان رشته مترجمی کار با این فرهنگ‌ها دارای اهمیت بیشتری است و عدم آشنایی با استفاده درست از این ابزار، در کنار تسلط ناکافی به زبان خارجی، در موارد مختلف، به‌ویژه کلمات چندمعنا، ممکن است به ترجمه‌ای نادرست منجر شود.

در پژوهشی که بین ۹۸ دانشجوی مترجمی در دانشگاه Jaume I در شهر کاستیون^{۱۲} اسپانیا انجام گرفت، مشخص شد که:

دانشجویان تازه‌کار به درستی از فرهنگ لغت استفاده نمی‌کردند[...]. آن‌ها از فرهنگ لغت دو-زبانه بیشتر از تک‌زبانه بهره می‌بردند [...]. آن‌ها مشکلات خود در فرهنگ لغت را به این موارد نسبت دادند: نبود معادل واژگانی، عدم فهم تعریف‌های مربوط به واژگان و عدم موفقیت در پیدا کردن معادل مناسب واژگانی (قنسولی، ۱۳۹۵: ۱۷۰).

فرهنگ‌های مختلف موجود در بازار، بر حسب اینکه تک‌زبانه یا دو‌زبانه باشند، واژگان را به صورت‌های مختلفی ارائه می‌دهند. بنا بر تعریف، فرهنگ‌های تک‌زبانه و واژگان هم‌معنا یا تعریفی از آن‌ها را ارائه می‌دهند و فرهنگ‌های دو یا چندزبانه معادل آن واژگان را در زبان دیگر. فرض بر این است که یک فرهنگ دو‌زبانه مشکل یافتن معادل یک واژه را حل کند. از سوی دیگر می‌دانیم معادل‌های یک واژه در دو زبان متفاوت نمی‌توانند در همه موارد جایگزین هم شوند و این را از مثال بالا در مورد واژه *entendre* در زبان فرانسه می‌توان دریافت. در-واقع، برای مترجمان و در مقیاسی وسیع‌تر برای دانشجویان مترجمی، مشکل اصلی در استفاده از فرهنگ‌های دو‌زبانه - و در موضوع تحقیق ما فرهنگ‌های فرانسه - فارسی - نهفته است؛ زیرا معادل هر کلمه خارج از بافت احتمالی آن قرار گرفته است. به علاوه، هنگامی که از مفهوم معادل‌یابی سخن می‌گوییم، باید در نظر داشته باشیم که همیشه نمی‌توان مطمئن بود که معادل ارائه‌شده در فرهنگ صحیح باشد.

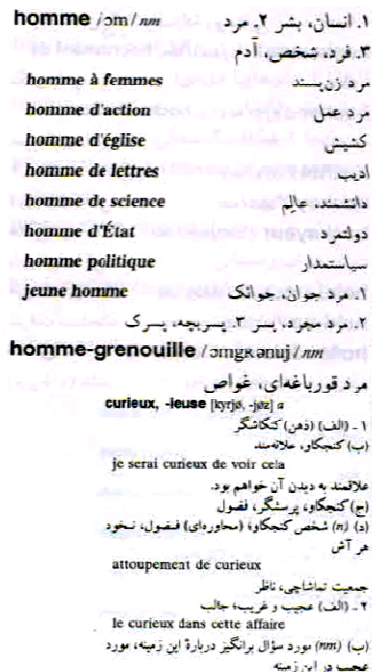
برای پاسخ به این مسئله، چهار نکته را مد نظر قرار می‌دهیم:

- در صورتی که مدلول مصداقی از یک واقعیت فرهنگی داشته باشد و دال با واژه‌ای مشخص در هر دو زبان مورد نظر وجود داشته باشد، می‌توان از معادل کامل سخن گفت. برای مثال، می‌توان از واژه «سگ: *chien*» در زبان فرانسه و فارسی نام برد.
- گاهی مفهومی در هر دو زبان مبدأ و مقصد وجود دارد؛ اما در فرهنگ زبان مقصد موجود نیست. در این صورت، به آن معادل ناقص می‌گوییم. گویشور زبان مقصد ممکن است شناختی از آن مفهوم نداشته باشد و یا شناخت بسیار محدودی داشته باشد. برای مثال، می‌توان از واژگان مربوط به گیاهان و یا آشپزی در یک زبان نام برد.
- در برخی از موارد، معادلی برای یک واژه در زبان مقصد وجود ندارد؛ زیرا واقعیت مورد نظر در فرهنگ آن زبان وجود ندارد. برای مثال، واژه «*apéritif*» مفهومی ناآشنا برای یک

فارسی زبان است. دانشجوی مترجمی فرانسه نیز در فرهنگ فرانسه - فارسی رهنما برای آن تنها معادل «اشتهاآور» را خواهد یافت که حق مطلب را ادا نمی‌کند.

- برخی از کلمات چندمعنا از زبانی به زبان دیگر دارای ابهام هستند. واژه‌های «belle-soeur/beau-frère» و یا «cousin/cousine» مثال‌های بسیار روشنی از این دست هستند.

در بیشتر فرهنگ‌های زبان فرانسه - فارسی موجود در بازار، معادل‌های ارائه شده برای واژگان در فهرستی الفبایی و معمولاً خارج از هر بافتی نمایش داده می‌شوند. برای بیان بهتر این مسئله، در ادامه می‌توان دو مثال از دو فرهنگ فرانسه - فارسی فرهنگ معاصر و رهنما که بیشتر از دیگر فرهنگ‌ها از سوی دانشجویان این رشته استفاده می‌شوند مشاهده کرد. در مورد فرهنگ اول، کلمه *homme* مد نظر ماست و در مورد فرهنگ دوم، کلمه *curieux*:



شکل ۲: نمونه‌هایی از فرهنگ‌های دوزبانه فرانسه به فارسی

Figure 2: Some Examples of French-Persian Dictionaries

در مورد واژه «homme» به زبان فرانسه، گفتنی است که فرهنگ فرانسوی Littré (نسخه آنلاین)^{۱۰} ۲۶ معنی یا تعریف ارائه داده است در صورتی که این تعداد در فرهنگ معاصر بسیار کمتر است و نشان می‌دهد که دانشجویان در همه موارد نمی‌توانند برای یافتن معادل به این فرهنگ‌های دوزبانه استناد کنند.

به گفته ولادیمیر گاک^{۱۲} (1970 : 115)، «متأسفانه در اغلب مواقع، کاربر یک فرهنگ دو-زبانه با این مسئله مواجه می‌شود که معادل‌های موجود در آن فرهنگ در همه شرایط و متون قابل استفاده نیستند».

۶. مشکل چندمعنایی در کلاس‌های ترجمه فرانسه در ایران: پیکره تحقیق

در اینجا، بار دیگر باید بر نقش فرهنگ‌ها به عنوان ابزاری بسیار مهم که می‌توانند در عین کمک به دانشجویان آن‌ها را برای یافتن معادل یک واژه به زبان مقصد راهنمایی یا دچار مشکل کنند، تأکید کنیم.

قبل از ارائه پیکره مورد مطالعه در این مقاله بر متون ترجمه‌شده از سوی دانشجویان دو مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد در رشته مترجمی فرانسه در ایران، لازم می‌دانیم کمی در مورد وضعیت این رشته در این دو مقطع صحبت کنیم. گفتنی است که مقطع دکتری این رشته در زبان فرانسه هنوز در کشور ایجاد نشده است.

به صورت کلی، مقطع کارشناسی رشته مترجمی فرانسه دوره‌ای چهار ساله است و چهار نیم‌سال اول بیشتر به یادگیری زبان فرانسه اختصاص می‌یابد؛ زیرا بیشتر دانشجویان پذیرفته‌شده در آزمون سراسری دانشگاه‌ها هیچ آشنایی قبلی با این زبان ندارند. بدین صورت است که در نیم‌سال پنجم، دانشجویانی که هنوز تسلط کافی به زبان فرانسه ندارند، وارد کار ترجمه می‌شوند. مشکل تسلط ناکافی به زبان فرانسه گاهی ممکن است تا پایان دوره کارشناسی گریبانگیر این دانشجویان شود، به‌ویژه اینکه علاوه بر آشنایی ناکافی به ساختارهای زبان، این دانشجویان ممکن است درک درستی از ابهام‌های معنایی نداشته باشند.

۶-۱. مشکل چندمعنایی نزد دانشجویان مقطع کارشناسی

در مقطع کارشناسی، مثال‌های که آورده می‌شود، برگرفته از سنجشی است که در کلاس

ترجمه متون گوناگون فرانسه به فارسی کتاب در نیم‌سال ششم در دو سال متوالی ارائه شده است. ۳۲ دانشجو در این سنجش شرکت کردند. برای اجرای این سنجش دانشجویان را به دو دسته تقسیم کردیم. برای ترجمه جملات، دسته اول تنها می‌توانستند از فرهنگ دوزبانه فرانسه - فارسی *رهنما* یا *فرهنگ معاصر* استفاده کنند. به دسته دوم تأکید شد که برای یافتن معادل مناسب برای هر جمله از فرهنگ تک‌زبانه فرانسه همراه با مثال مانند *Le Robert* و سپس فرهنگ دوزبانه فرانسه - فارسی استفاده کنند. از این دسته از دانشجویان خواسته شد تا مثال و توضیح مربوط به معادل انتخابی را در فرهنگ تک‌زبانه در پایان ترجمه هر جمله ذکر کنند. همچنین، به دانشجویان توضیح داده شد که واحد ترجمه عبارت است و نه تک‌واژه. به دانشجویان توصیه شد که حتی در صورت آگاهی از معادل واژه‌ای در جمله‌ها در زبان فارسی، مرحله جست‌وجو در فرهنگ واژگان را انجام دهند.^۴

- Il a retrouvé ses amis devant la gare.

تنها ۲۸ درصد دانشجویان دسته اول، فعل *retrouver* را با معادل صحیح آن که «ملحق شدن» است، ترجمه کرده‌اند و ۷۲ درصد باقیمانده به‌جای آن از معادل‌های «دوباره پیدا کردن» یا «بازیافتن» استفاده کرده‌اند.

۸۱ درصد دانشجویان دسته دوم، معادل صحیح این فعل را در فرهنگ تک‌زبانه فرانسه یافته‌اند.

« Aller retrouver ses amis » = rejoindre (*Le Petit Robert*)

- La solution pour les lentilles de contact est à vendre dans les pharmacies.

در این جمله، ۳۱ درصد دانشجویان دسته اول، از معادل صحیح «محلول» و ۶۹ درصد باقیمانده از واژه «راه حل» و «جواب» استفاده کرده‌اند.

۷۶ درصد دانشجویان دسته دوم، واژه مورد نظر را صحیح ترجمه کرده‌اند و توضیحی که آوردیم را در فرهنگ تک‌زبانه یافته‌اند.

« Solution saturée » = Liquide contenant un solide dissous (*Le Petit Robert*)

- L'ordre des traducteurs au Québec est annulé.

در این جمله، ۲۲ درصد از دانشجویان دسته اول، از معادل صحیح «انجمن» یا «نظام» و ۷۸ درصد باقیمانده از واژه «دستور» و «حکم» استفاده کرده‌اند.

۸۳ درصد دانشجویان دسته دوم، این عبارت را به طرز صحیحی ترجمه کرده‌اند و مثالی را که در فرهنگ تک‌زبان یافته‌اند به ترتیبی که آمده است، ذکر کرده‌اند:

« L'ordre des médecins » = Groupe de personnes soumises à des règles professionnelles (*Le Petit Robert*)

- La position du président par rapport aux événements récents n'est pas très claire.

۳۹ درصد از دانشجویان دسته اول، از معادل صحیح «موضع» از واژه «وضعیت» و «وضع» استفاده کرده‌اند.

این در حالی است که ۷۲ درصد دانشجویان دسته دوم، با یافتن مورد صحیح در فرهنگ تک‌زبان، واژه مورد نظر را به‌درستی به فارسی ترجمه کردند.

« Position politique » = Ensemble des idées qu'une personne soutient et qui la situe par rapport à d'autres personnes ; point de vue, opinion (*Le Petit Robert*)

- Les goûts et les couleurs ne se discutent pas.

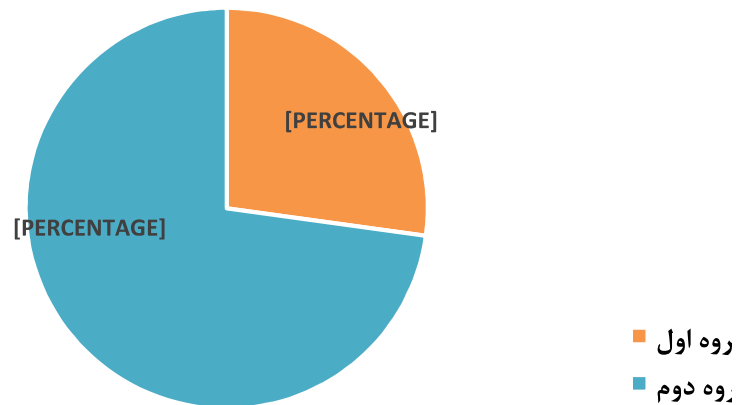
تنها ۲۹ درصد از دانشجویان، دسته اول از معادل صحیح «سلیق» استفاده کرده‌اند و ۷۱ درصد باقیمانده واژه «طعم‌ها» را در ترجمه خود به‌کار برده‌اند.

این در حالی است که ۸۷ درصد دانشجویان دسته دوم، واژه مناسب را در زبان فارسی انتخاب کردند؛ زیرا در فرهنگ تک‌زبان از مشابه این عبارت که یک ضرب‌المثل فرانسوی است، برای مثال استفاده شده است.

« Des goûts et des couleurs on ne discute pas » = [au plur.] Tendances, préférences qui se manifestent dans le genre de vie, les habitudes de chacun. (*Le Petit Robert*)

بدین ترتیب، نسبت درصد مجموع پاسخ‌های صحیح در هر گروه در نمودار شماره ۳ مشخص می‌شود.

مجموع درصد پاسخ صحیح در هر گروه



نمودار ۳: نمودار مجموع درصد پاسخ صحیح در هر گروه

Figure 3: Percentage of Correct Answers in Each Group

۶-۲. مشکل چندمعنایی نزد دانشجویان مقطع کارشناسی ارشد

در مقطع کارشناسی ارشد نیز ما این مشکل را در ترجمه دانشجویان مشاهده کرده‌ایم و برای اثبات آن، برای نمونه، از ترجمه‌های انجام‌شده از سوی هشت دانشجو از چند دانشگاه در ایران برای پروژه کتاب *Choix de lettres de Jean-Jacques Rousseau, traduction et texte original* استفاده کرده‌ایم که در چارچوب نشست تخصصی «Rousseau, Aujourd'hui» که در سال ۱۳۹۱ به مناسبت سیصدمین سالگرد تولد ژان ژاک روسو در تهران برگزار شد، ارائه شد. این دانشجویان پس از آزمون که از داوطلبان ترجمه این کتاب از لحاظ توانش زبانی و ترجمه گرفته شد، از میان بالاترین امتیازات انتخاب شدند.

- *Mais il est difficile de trouver, sur ce point, de la bonne foi chez les hommes et de bons calculs chez les philosophes, parce que ceux-ci, dans la comparaison des biens et des maux, oublient toujours le doux sentiment de l'existence indépendant de toute autre sensation (...).*

ترجمه دانشجو: اما در این مرحله سخت می‌توان نزد انسان‌ها ایمان و نزد فلاسفه حسابی درست را یافت؛ زیرا اینان در مقایسه خیر و شر، احساس لطیف بودن را فارغ از هر حس دیگری فراموش می‌کنند (...).

در این مثال، واژه «calculs» به «حساب» ترجمه شده است و این اولین معادلی است که در فرهنگ فرانسه - فارسی (فرهنگ معاصر) آمده است. این در حالی است که نزدیک‌ترین و دقیق‌ترین معادل واژه «حسابگری» یا «طرح/نقشه» است.

- *À l'égard de M. de Crousaz, je n'ai point lu son écrit contre Pope, et ne suis peut-être pas en état de l'entendre (...).*

ترجمه دانشجو: در مورد آقای کروساز، نوشته‌های ایشان بر ضد پاپ را نخوانده‌ام و در شرایطی هم نیستم که آن را بشنوم (...).

همان‌گونه پیش از این به آن اشاره کردیم، واژه «entendre» در زبان فرانسه چندمعناست و در فرهنگ‌های زبان اولین معادلی که برای آن ارائه شده است کلمه «شنیدن» است؛ اما این معادل در این بافت مبهم است و معادل دقیق‌تر می‌تواند «توجه کردن» یا «فهمیدن» باشد.

- *apprenez-nous à les chérir dans nos murs comme dans vos écrits (...)*

ترجمه دانشجو: ما را بیاموزید تا این ارزش‌ها را در خانه‌های خود به مانند نوشته‌های شما گرامی بداریم.

صورت جمع واژه «des murs» در فرهنگ تک‌زبان *Le Robert* به معنی «شهر یا بخشی از شهر که از سوی دیوارها محصور شده‌اند» آمده است و معادلی که مترجم در اینجا استفاده کرده است، صحیح نیست.

- *Ma première idée était de vous prier de lui donner asile dans votre maison, ou auprès de l'enfant qui en est l'espoir, jusqu'à ce qu'il sortît des mains des femmes (...).*

ترجمه دانشجو: تصور نخستم این بود که از شما استدعا کنم در منزلتان به او سرپناهی دهید یا در جوار کودکی که انتظارش را می‌کشد تا آن که کودک از دستان زنان بیرون بیاید.

در این مثال، مترجم برای واژه «femmes» معادل «زنان» را استفاده کرده است که این انتخاب می‌تواند برای خواننده ابهام برانگیز باشد؛ زیرا به نظر می‌رسد در اینجا معادل «ماما» صحیح باشد (Littré, article femme). مراجعه به متن می‌تواند به مترجم کمک کند و با

تحلیلی بین‌جمله‌ای در متن اصلی دقیق‌ترین معادل را انتخاب کند.

۷. نتیجه

هدف از پژوهش حاضر، سنجش توانایی ترجمه واژگان چندمعنا نزد دانشجویان رشته مترجمی فرانسه است. بدین منظور، از نقشه هولمز/ توری در مطالعات ترجمه، به‌ویژه شاخه کاربردی آن و استفاده صحیح از وسایل کمک آموزشی ترجمه از قبیل فرهنگ لغات در حیطه تربیت مترجم و همچنین، نظریه سنجش توانش ترجمه از دیدگاه PACTE - که قنسولی در کتاب خود (۱۳۹۵) به آن اشاره کرده است - استفاده شده است. برای اثبات فرضیه پژوهش و مشکلاتی که دانشجویان این رشته در ارتباط با ترجمه واژگان چندمعنا با آن روبه‌رو هستند، دو دسته از دانشجویان نیم‌سال ششم کارشناسی مترجمی فرانسه سنجش شدند: دسته اول جمله‌های آزمون را فقط با استفاده از فرهنگ دوزبانه فرانسه - فارسی ترجمه کردند و به دسته دوم توصیه شد، ابتدا از فرهنگ تک‌زبانه فرانسه - فرانسه و سپس از فرهنگ دوزبانه فرانسه - فارسی استفاده کنند. تنها ۲۷ درصد از دانشجویان دسته اول ترجمه صحیح را از این نوع واژگان ارائه کردند، در حالی که این آمار نزد دانشجویان دسته دوم به ۷۳ درصد رسید. همچنین، بررسی پیکره مورد تحقیق نزد دانشجویان کارشناسی ارشد بیانگر این نکته است که حتی دانشجویان تحصیلات تکمیلی نیز با این مشکل روبه‌رو هستند. در واقع، با تحلیل داده‌های به‌دست آمده از این سنجش، می‌توان نتیجه گرفت که یافتن معادل صحیح برای این نوع واژگان، به‌ویژه برای دانشجویان رشته مترجمی فرانسه که تسلط کافی به این زبان ندارند، امری پیچیده به‌نظر می‌آید؛ زیرا واژگان چندمعنا معمولاً با قرار گرفتن در بافت‌های مختلف می‌توانند معانی مختلفی را القا کنند. از سوی دیگر، فرهنگ‌های دوزبانه فرانسه - فارسی موجود در بازار نیز همیشه حاوی تمامی معانی مرتبط با یک واژه چندمعنا نیستند و این موضوع کار این دانشجویان را سخت‌تر نیز خواهد کرد. از تحلیل این عملکرد دانشجویان به هنگام ترجمه به‌نظر می‌رسد که واحد ترجمه برای آن‌ها کلمه است بدین معنا که با توجه به معنای یک کلمه سعی در فهمیدن و ترجمه یک عبارت دارند، در صورتی که در نظریه‌های ترجمه واحد ترجمه عبارت یا حتی همه متن و فراتر از آن است. همچنین، دانشجویان از طرز استفاده صحیح از یک فرهنگ دوزبانه آگاهی ندارند و قاعده کلی برای فرهنگ‌نگاری را درمورد کلمات چندمعنا و هم‌نام

نمی‌شناسند. همان‌گونه که از نمونه ترجمه‌های دانشجویان این رشته در دو مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد مشهود است، این مشکل نیاز به ارائه راه حلی اساسی از همان ابتدای دوره تحصیلی این دانشجویان دارد. بدین ترتیب، توضیح این مطلب و آگاه‌سازی دانشجویان در مورد این پدیده و مشکلات موجود در فرهنگ‌های دوزبانه فرانسه - فارسی از اولین نکاتی است که باید در کلاس‌های ترجمه ارائه شوند. از سوی دیگر، ویرایش و تصحیح این فرهنگ‌ها از طرف ناشران آن‌ها یا انتشار فرهنگ‌های جدید با در نظر گرفتن ابهام‌های معنایی در زبان فرانسه مهم به نظر می‌آید. همچنین، استفاده از فرهنگ‌های تک‌زبانه برای یافتن معادل مناسب یک واژه در متن الزامی به نظر می‌رسد.

۸. پی‌نوشت‌ها

1. Jakobson
2. interlingual translation
3. Lynne Franjjié
4. James S. Holmes
5. the name and nature of translation studies
6. Edwin Gentzler
7. Gideon Toury
8. Katharina Reiss
9. L. Bachman
10. Michel Bréal
11. Alise Lehman, Françoise Martin-Berthet
12. Castellon
13. V. G. GAK

۱۴. این نوع تمرین از کتاب *ترجمه متون علوم انسانی*، نوشته غلامرضا تجویدی (دانشگاه پیام‌نور: ۱۳۸۲) برگرفته شده است.

۱۵. این فرهنگ به این دلیل استفاده شده که انتشار آن در پایان قرن نوزدهم متوقف شده است و برای ترجمه متونی مانند نامه‌های ژان ژاک روسو مناسب به نظر می‌رسد.

۹. منابع

- تاج‌بخش، نسیم و همکاران (۱۳۹۶). «نگاهی به مشکلات دانشجویان رشته مترجمی زبان فرانسه در دانشگاه‌های ایران». *جستارهای زبانی*. د ۸، ش ۲. صص ۱۷۱ - ۱۹۵.

- تجویدی، غلامرضا (۱۳۸۲). *ترجمه متون علوم انسانی (رشته مترجمی زبان انگلیسی)*. تهران: دانشگاه پیام‌نور.
- حقیقی، منصوره (۱۳۸۹). *بررسی چندمعنایی در ترجمه چند غزل از حافظ از سوی شارل - هانری دوفوشکور*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه علامه طباطبائی.
- رحیمی، زهرا (۱۳۹۷). *بررسی چندمعنایی در ترجمه‌های شعر سرزمین هرز از دو دیدگاه ساختارشکنی و نظریه نظام‌ها*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه شیخ بهایی.
- زره‌پوش، پگاه (۱۳۹۴). *بررسی تحلیلی مشکلات ترجمه افعال چندمعنایی از زبان فرانسه به فارسی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه الزهرا.
- ستوده چافی، سمانه (۱۳۹۲). *ارائه الگویی برای ترجمه انگلیسی به فارسی واژگان چندمعنایی بر اساس روش بافت محور از طریق روش معنایی توزیعی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه بیرجند.
- صفوی، کورش (۱۳۹۲). *درآمدی بر معنی‌شناسی*. تهران: انتشارات سوره سوره مهر.
- _____ (۱۳۸۰). «نگاهی تازه به مسئله چندمعنایی واژگانی»، *نامه فرهنگستان*. ش ۱۸. صص ۵۰ - ۶۷.
- _____ (۱۳۹۴). *هفت گفتار درباره ترجمه*. تهران: مرکز.
- غلامی اشکیکی، مه‌ری (۱۳۸۰). *بررسی خطاهای واژگانی فراگیرندگان انگلیسی ایرانی در زمینه‌های شمول معنایی، چندمعنایی و هم‌معنایی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه شیراز.
- *فرهنگ فرانسه - فارسی رهنما* (۱۳۸۵). تهران: رهنما.
- *فرهنگ معاصر فرانسه - فارسی* (۱۳۹۰). تهران: فرهنگ معاصر.
- قنسولی، بهزاد (۱۳۹۵). *سنجش ترجمه در محیط آموزشی*. تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.
- ماندی، جرمی (۱۳۹۱). *معرفی مطالعات ترجمه: نظریه‌ها و کاربردها*. ترجمه علی بهرامی و زینب تاجیک. تهران: رهنما.
- میرزا ابراهیم تهرانی، فاطمه (۱۳۸۲). «کاستی‌های آموزش ترجمه در دانشگاه‌های ایران». *مطالعات ترجمه*. د ۱. ش ۲. صص ۸۹ - ۹۴.

- Breal, M. (1897). *Essai de Sémantique : Sciences des significations*, Paris : Hachette.
- ----- (2012). *Choix de lettres de Jean-Jacques Rousseau : Traduction et texte original*, AILLF (Association Iranienne de Langue et Littérature Françaises) ; dirigé par Mohammad-Rahim Ahmadi, Nasrin Khattate, Marjan Farjah, Jaleh Kahnamouipour. Téhéran: Université de Téhéran.
- FRANJIE, Lynne (2009). *La traduction dans les dictionnaires bilingues*. Paris : Editions Le Manuscrit.
- GAK, V. G. (1970). "La langue et le discours dans un dictionnaire bilingue". *Langages*. n° 19. Paris : Larousse : 103-115.
- COUBON, Bruno (2016). "Sur l'histoire du terme *polysémie*". *Langues et linguistique*, n° 35, Laval : Université de Laval
- LEHMANN, A. & Martin-berthet, F. (2000). *Introduction à la lexicologie : sémantique et morphologie*, Paris : Dunod, Coll. Lettres sup.
- Mohammed , Essam T. (2009). "Polysemy as a lexical problem in translation". *Adab Al-Rafidayn*, Vol. 55, Mosul : Mosul University.
- Pacte (2005). "Investigating translation competence: Conceptual and methodological issues". *Meta: Translators' Journal*. 50 (2): 609-619.
- Ryding, *Antin Faugner* (1er semestre de 1998). "La notion d'ambiguïté en traduction" . *Trad Term*, 5(1) : pp.11-40.
- Wei, Ch. (1999). "Contexte, Compréhension, Traduction". *Méta*, Vol. 44, n° 1. *Larousse en ligne* (www.larousse.fr)
- *Le Petit Robert*
- *Le Robert/Dixel Mobile* (version électronique)
- *Littré* (version électronique)
- *Synonymes.fr*

References:

- Breal, M. (2012). *Selection from the Letters of Jean Jacques Rousseau: Translation and Original Text*. Aillf (Iranian Association of French Language and Literature). Supervised by Ahmadi Mohammad-Rahim, Khattat Nasrin, Farjah Marjan, and Kahnamouipour Jaleh. Tehran: Tehran University Press [In French].
- ----- (1897). *Semantic essay: Sciences of Meanings*. Paris: Hachette. [In French].
- Coubon, B. (2016). "Sur l'histoire du terme polysémie". *Language and Linguistics*. No.35. Laval: Laval University. [In French].
- Franjie, L. (2009). *Translation in Bilingual Dictionaires*. Paris: Editions Le Manuscrit. [In French].
- Gak, V. G. (1970). "Language and discourse in a bilingual dictionary". *Languages*. No. 19. Paris: Larousse. Pp. 103-115. [In French].
- Gholami Ashkiki, M. (2001). *Study of Lexical Errors among English Learners about hyponymy, polysemy and synonymy*. Shiraz University. M.A Thesis. [In Persian].
- Ghonsooly, B. (2016). *Evaluation of Translation in Educational Environment*. Tehran: Allameh Tabataba'I University Press. [In Persian].
- Haghighi, M. (2011). *Study of Polysemy in the Translation of a Certain Number of Poems by Hâfez by Charles-Henri de Fouchécour*. Allameh Tabataba'I University. M.A Thesis. [In Persian].
- Larousse on Line (www.larousse.fr)
- Le Robert/Dixel Mobile (electronic version)
- Lehmann, A. & Martin-Berthet, F. (2000). *Introduction to Lexicology: Semantics and Morphology*. Paris: Dunod, Coll. Lettres sup. [In French].
- Littré (electronic version)
- Litre Robert

- Mirzaebrahim Tehrani, F. (2003). "Gaps in translation teaching at Iranian Universities". *Translation studies*. Vol. 1. N. 2. [In Persian].
- MOHAMMED, Essam T. (2009). "Polysemy as a lexical problem in translation" *Adab Al-Rafidayn*, Vol. 55. Mosul: Mosul University. [In English].
- Munday, J. (2012). *Persian Translation by Bahrami, A & Tajik, Z. Introducing Translation Studies: Theories and applications*. Tehran: Rahnama.
- Rahimi, Z. (2018). *Study of Polysemy in the Translations of Weed Land Poem according to Deconstruction and Polysystem theories*. Sheikh Bahaei University M.A thesis. [In Persian].
- Ryding, A. F. (1998). "Notion of ambiguity in translation". *Trad Term*, 5(1). Pp.11-40. [In French].
- Safavi, K. (2001). "A new Look to problem of lexical polysemy". *Academy Letter*.. No. 18. [In Persian].
- Safavi, K. (2013). *Introduction to Semantic*. Tehran: Soureh Mehr. [In Persian].
- Safavi, K. (2015). *Seven Articles about Translation*. Tehran: Markaz. [In Persian].
- Sotoudeh Chafi, S. (2013). *Models for English-Persian Translation of Polysemic Vocabulary based on Context-based Methods through Distributional Methods*. University of Birjand. M.A Thesis. [In Persian].
- Synonymes.fr
- Tadjvidi, Gh. (2003). *Translation of Humanities Texts (for English students)*. Tehran: Payam –e- Nour. [In Persian].
- Tajbakhsh N.; Letafati, R. & Djilili Marand, N. (2017). "A glimpse of the problems amongst the students of translation in French at the universities of Iran". *Language Related Research*. 8 (2). Pp. 171-195. [In Persian].
- Wei, Ch. (1999). "Context, Comprehension, Translation". *Méta*. Vol. 44. N1. [In French].

- Zerehpoosh, P. (2015). *An Analytical Study of the Problems of Translation of Polysemic Verbs from French to Persian*. Alzahra University. M.A Thesis. [In Persian].

Teaching French Translation at Universities in Iran: Study of the translation of polysemic words

Marjan Farjah^{1*}, Mina Mazhari²

1. Assistant professor, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.

2. Assistant professor, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.

Received: 6/04/2019

Accepted: 28/08/2019

Abstract

Teaching French translation in Iran has been studied from different angles so far and its flaws and the problems encountered by students in this field have been repeatedly evaluated. However, it seems that researchers in Iran have not taken into account the problem of polysemic words and the translation of this ambiguous phenomenon. Hence, we have decided to study this phenomenon in university classes where students are trained to translate texts from French language to Persian.

In this regard, considering the characteristics of the polysemic words and the ability of French translation students to recognize and then translate them properly in Persian, with a glance to Holmes/Toury map of translation studies and especially its functional branch, which includes teaching/learning translation and related methodologies and dictionaries as tools in this field among others. Therefore, we emphasize on the importance of training French translation students and the correct use of dictionaries according to Holmes/Toury theory.

On the other hand, Katharina Reiss' (German linguist and translator scholar) theory of translation and text typology (informative, expressive and operative) and their application have been used in this research. Usually, in translation classes at Iranian universities, informative and expressive texts are present and we used these two types of texts in our corpus as well.

Also, we have utilized the theory of PACTE group from its translation competence in educational environments, through two tests among 32 undergraduate French translation students divided in two groups, as well as a review of the translation of the book written by French philosopher and writer of eighteenth century, Jean-Jacques Rousseau, *Le Choix de lettres de*

* Corresponding Author's E-mail: farjah@atu.ac.ir

Jean-Jacques Rousseau, translated by eight master and Ph.D. students in the field of French translation and French literature to scrutinize this particular problem.

In the first case, we had advised to the first group to use only French-Persian dictionaries and to the second group to use not only the latter but also to consult inevitably French-French dictionaries in order to translate correctly the texts. More than two-thirds of the first group of students who used only French-Persian dictionaries failed to properly translate sentences containing this type of vocabulary, while in the second group the results were considerably satisfying. Among the graduate students, this problem still persists. It seems that finding the right equivalent for this kind of vocabulary, especially for French translation students who do not have sufficient knowledge of the language, seems complicated. This is because polysemic words can usually have different meanings in different contexts. French-Persian dictionaries on the market do not always contain all the meanings associated with polysemic words, which will make it even harder for the students to deal with the translation. Also, it seems from the sample translations of undergraduate and graduate students, this problem requires a fundamental solution from the very beginning of their studies. Explaining this problem to the students and informing them about this phenomenon and the gaps in French-Persian dictionaries is one of the first things that should be presented in translation classes. On the other hand, editing these dictionaries by their publishers or publishing new ones with regard to semantic ambiguities in French seems important. It also seems necessary to use monolingual dictionaries to find the appropriate equivalent of a word in the text.

Keywords: Teaching translation; French language; Polysemy; Translation competence; Dictionaries.